خبر

اخراج متصرفان جنگل ابر

جنگل ابر، ریشه در خاک دارد اما نامش را از آسمان به امانت گرفته‌است؛ جنگلی با درختان و پوشش گیاهی منحصربه‌فرد که به دلیل ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی در فهرست میراث طبیعی جهان، باید بیش از پیش مراقبت شود. موضوعی که مورد توجه مسؤولان شهرستان شاهرود هم قرار گرفته و حالا اخراج دامداران و متصرفانی که به صورت غیرقانونی اقدام به حضور در این جنگل و چرای دام می‌کردند، یکی از این واکنش‌هاست. موضوع وقتی جالب می‌شود که رد ماجرای حضور این دامداران در جنگل ابر و تصرف غیرقانونی در این اثر ثبت‌جهانی‌شده به نامه‌ای می‌رسد که از موافقت شورای اسلامی روستای ابر با چرای دام در این منطقه خبر می‌دهد، آن‌هم درحالی‌که اولا جنگل ابر به دلیل ثبت جهانی در یونسکو غیرقابل مرتع‌داری است و ثانیا مجوز چرای احتمالی از سوی منابع طبیعی باید صادر شود نه شورای اسلامی ابر.

رئیس منابع طبیعی شهرستان شاهرود در همین رابطه به مهر می‌گوید: چند بار به دامدارانی که در جنگل ابر حضور داشتند و اقدام به ساختن آغل با توری و پایه و... کرده بودند تذکر داده شد تا این مکان را تخلیه کنند اما وقتی این تذکرها نادیده گرفته شد، درنهایت مأموران ما با همکاری نیروی انتظامی و دستگاه قضایی به محل رفته و لوازم این دامداران را ضبط کردند که در محل ایستگاه اطفای حریق منابع طبیعی ابر نگهداری می‌شود. حمیدرضا کشاورزیان ادامه می‌دهد: ما وظیفه داریم مراتع و تمام اراضی را کنترل کنیم و مورد پایش قرار دهیم، مراتعی که حتی سند دارند نیز برای هرکدام مقدار مشخصی دام تعیین‌شده که ما باید نگذاریم در وهله نخست دام غیرمجاز وارد این مراتع شود و ثانیا دام غیر به این مناطق ورود نکند و همیشه دامداری که پروانه چرا دارد در مرتع خود باشد. این قانون برای همه مراتع صدق می‌کند و ما موظف به پایش و رصد دائم هستیم.

روش جدید خروج عمارت‌های تاریخی از فهرست آثار ملی



طی روزهای گذشته بنری بر ایوان عمارت تاریخی گلستانه مشاهده می‌شود که روی آن درباره خروج اثر از آثار ثبت ملی شده اطلاع رسانی شده؛ شیوه‌ای جدید و غیرمتداول که ظاهرا درحال باب شدن است. عمارت تاریخی گلستانه در خیابان قزوین تهران که به شماره ۱۳۷۳۸ مورخ ۲۵ آبان ۸۵ ثبت شده بود، براساس شکایت مالک بنا، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ و با رای دیوان عدالت اداری، از فهرست آثار ملی کشور خارج شد. این خروج در روزهای آخر سکانداری رجبعلی خسروآبادی بر مسند مدیریتی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران در سکوت مطلق رخ داده و در چند روز اخیر مالک بنا با نصب بنری بر ایوان این اثر تاریخی، اطلاع رسانی عمومی کرده است. این یکی از جدیدترین شیوه‌های خروج از ثبت یک اثر از فهرست آثار ملی است که با نصب بنر به همگان اطلاع‌رسانی می‌شود. این خروج در حالی رخ داده که شهرداری منطقه ۱۱ شهر تهران، مالک سه دانگ این بناست و دیوان فقط با شکایت یکی از مالکان و با تضییع حق شهرداری تهران به عنوان یک نهاد عمومی، این اثر را بدون رضایت شهرداری از ثبت خارج کرد. /جام‌جم



جنگلوکی‌های چابهار حاشیه‌نشین‌هایی در دل شهرند و درست وسط چابهار زیر سایه ادارات بزرگ و اسم و رسم‌دار چابهار زندگی می‌کنند

عکس: روحا... خسروی‌نژاد

۳۶ روز بعد از سوختن کپرهای جنگلوک، سراغ مردم این منطقه رفتیم تا از حال و روزشان بپرسیم

آمدند، دیدند و رفتند



مینا مولایی

ایران

کمی بیشتر از یک ماه گذشته، اما انگار یک عمر است که پری خاتون، میرزا، عبدالواحد و عبدالستار و بقیه داخل چادر زندگی می‌کنند! چادرهای سفیدرنگی که هلال احمر همان روز اول بعد از آتش‌سوزی، وقتی هنوز زمین داغ بود و همه جا بوی خاکستر سوخته می‌داد برایشان نصب کردند. چادرهای سفید حالا وصله ناجورند بین کپرهای جنگلوک؛ بین چهاردیواری‌های کوچک و بزرگی که با بلوک‌های سیمانی یکی یکی ساخته شده‌اند. بلوک‌هایی که از ۴۰ سال پیش تا حالا حکم خانه دارند برای این ۴۰۰ خانواده جنگلوکی اما به چشم مسؤولان چابهار با هیچ متر و معیاری خانه به حساب نیامده‌اند! حالا بیشتر از یک ماه است به این خانه‌های بلاتکلیف، چادرهای بلاتکلیف‌تری هم اضافه شده و جنگلوکی‌ها مانده‌اند چشم‌انتظار تحقق وعده‌های ریز و درشت مسؤولانی که هر بار می‌آیند، می‌بینند، می‌روند و خبری از تصمیمات و برنامه‌هایشان نمی‌شود؛ مثل همین آتش‌سوزی که پای صحبت هر کدام‌شان بنشینید و با هرکدام که صحبت کنید، می‌گویند فقط گروه‌های خیریه بعد از آتش‌سوزی ماندند و دستگیرشان شدند؛ مسؤولان آمدند، دیدند و رفتند.

جنگلوک وعده‌ها

حدود یک ماه پیش همین‌جا و در همین صفحه از خاکسترشدن آرزوهای ۲۷ خانواده جنگلوکی نوشتیم؛ از آتشی که یک دفعه شعله کشید و از در و دیوار کپرها بالا رفت؛ نوشتیم که جنگلوکی‌های چابهار حاشیه‌نشین‌هایی در دل شهرند و درست وسط چابهار زیر سایه ادارات بزرگ و اسم و رسم‌دار چابهار زندگی می‌کنند؛ اداره‌هایی که بعد از آمدن آنها یکی یکی ساخته شده‌اند و جنگلوک و خانه‌های کوتاه‌قدش مقابل این ساختمان‌های بلند قشنگ، شبیه حلبی آبادند؛ حلبی آبادی بی امید. «مردم ما چقدر مسؤول دیده باشند خوب است؟ چند بار به فرمانداری و شهرداری و شورا مراجعه کرده باشند خوب است؟ چقدر وعده شنیده باشند خوب است؟» این را حنیف برم به ما می‌گوید؛ امام جماعت مسجد حضرت مهدی(عج) جنگلوک؛ روحانی جوانی که بیش از ۲۰ سال از زندگی‌اش در جنگلوک می‌گذرد و حالا به عنوان معتمد این مردم، به دنبال احقاق حقوق از دست رفته‌شان است: «از زمان آقای احمدی‌نژاد تا الان مسؤولان آمده‌اند اینجا را دیده و رفته‌اند. خودمان بارها پیش شورا و فرمانداری رفتیم، اما مشکلات‌مان نه تنها حل نشده که روزبه‌روز بیشتر هم شده. اول ما اینجا بودیم بعد اداره‌جات آمدند، الان می‌گویند شما باید بروید.» جنگلوکی‌ها به جابه‌جایی اما راضی‌اند؛ دلیل شرط و شروط‌شان را اما حنیف برم بیشتر از هرکسی می‌داند و می‌فهمد: «اینجا ما نه خانه بهداشت داریم نه مدرسه! با وجود اینکه لوله‌های آب از کنار ما رد می‌شود اما آب آشامیدنی نداریم! وضع برق‌مان هم که از اتصال پشت سرهم و آتش‌سوزی‌های کپرها مشخص است! به ما می‌گویند از اینجا بروید، باشد قبول! اما به ما جایی بدهند که سند داشته باشد، یک شهرک باشد! ما نمی‌خواهیم از یک کپر برویم توی یک کپر دیگر زندگی کنیم.»

هیچ‌مان سوخت

آن پنجشنبه تلخ اردیبهشت، اول کپر پری‌خاتون دُرزاده بود که طعمه آتش شد؛ بعد آتش سریع زبانه کشید و رفت تا کپرهای کناری. پری‌خاتون اما آن‌روز و آن‌لحظه‌ها را حتی بعد از گذشت یک ماه فراموش نکرده و به ما می‌گوید: «ما عزادار هستیم. تازه شوهرم از دنیا رفته بود که این اتفاق هم پیش آمد و داروندارمان سوخت. هیچ چیزی که نداشتیم اما همان هیچ هم سوخت!» پری‌خاتون حرف که می‌زند، در ذهنش وسیله‌هایی را که از دست داده مرور می‌کند. به آن چهارتکه ظرف و ظروفی می‌رسد که به‌عنوان جهیزیه خریده و یک گوشه کپر گذاشته بود برای بچه‌اش! جای خالی این جهیزیه، آه می‌شود و از دل پری‌خاتون بیرون می‌آید، بلند و سوزناک: «با حقوق کارگری چهارتا وسیله جمع کرده بودم که همان‌ها هم سوخت... الان هم که وضع‌مان مشخص است؛ داخل چادریم در این گرمای چابهار... یک نفر بیاید ببیند می‌تواند جای ما طاقت بیاورد؟!» ادامه گلایه‌های او را از زبان میرزا سولی بر می‌نویسیم؛ یکی دیگر از اهالی جنگلوک که آتش چادرنشین‌اش کرده: «من کارگر روزمزدم. هرچه در این سال‌ها ذره‌ذره خریده بودم، ازدست رفت... الان چند سال باید کار کنم، هیچ هم نخورم که بتوانم این‌ها را دوباره بخرم؟!» سوالش را به‌جای ما عبدالستار درزاده جواب می‌دهد؛ یکی دیگر از جنگلوکی‌های چادرنشین این روزها: «باید بودید و می‌دیدید. خانه‌هایمان که آتش گرفت بلوک‌ها را از قسمت پشتی خانه خراب کردند که اهالی خانه را بیرون بیاورند. همه‌چیزمان هم در این آتش سوخت. الان نه سند ازدواج داریم، نه شناسنامه، نه بیمه درمانی و نه هیچ چیزی! همه سوخت و ازبین رفت!» عبدالواحد، ساکن چادر کناری هم جلو می‌آید و می‌گوید: «الان به ما بگویند ما تاکی قرار است داخل این چادرها زندگی کنیم؟ باور کنید اگر گروه‌های جهادی نبودند حتی یک لحظه نمی‌شد داخل این چادرها دوام آورد! ما می‌خواهیم مسؤولان بیایند و زودتر برای ما یک خانه بسازند، چون حتی اجازه ساخت همان کپرها را هم دیگر نداریم.»

جهادی‌ها، جنگلوک را تنها نگذاشتند

بیشتر از یک ماه پیش، ۲۷ کپر اینجا در جنگلوک سوخت و خاکستر شد. خاکستر خانه‌ها را حالا باد با خودش برده و دیگر اثری از آثار سوختگی نیست. آن‌قدر که مسؤولان هم یادشان برود که اینجا چه خبر بوده؛ موضوعی که امام جماعت جنگلوک درباره‌اش می‌گوید: «بعد از آتش‌سوزی مسؤولان آمدند و رفتند اما این خیرین و گروه‌های جهادی و خیریه بودند که ما را تنها نگذاشتند. ما دیگر عادت کرده‌ایم. می‌دانیم که مسؤولان ما را نمی‌بینند. طرف ما نمی‌آیند. اما یک خواهش و تقاضا از آنها داریم؛ تکلیف ما را زودتر مشخص کنند!»

حضور گروه‌های خیریه و جهادی، حالا تنها دلخوشی مردم جنگلوک است. همین است که به ما می‌گویند حتی اگر مسؤولان آنها را نبینند، خوشحالند که خیرین را دارند؛ خیرینی که تنهایشان نگذاشته و به آنها اطمینان داده‌اند که اگر دولت به آنها زمین بدهد، برایشان خانه می‌سازند

حضور گروه‌های خیریه و جهادی، حالا تنها دلخوشی مردم جنگلوک است. همین است که به ما می‌گویند حتی اگر مسؤولان آنها را نبینند، خوشحالند که خیرین را دارند؛ خیرینی که تنهایشان نگذاشته و به آنها اطمینان داده‌اند که اگر دولت به آنها زمین بدهد، برایشان خانه می‌سازند! یک خانه، یک خانه با دو تا اتاق خواب! یک خانه با در و دیوار سفید و سقف رنگی! درست مثل خانه‌هایی که در روستای کوئیک سرپل‌ذهاب بعد از زلزله ساخته شدند. خانه‌هایی که زلزله‌زده‌های کرمانشاهی را پناه دادند و حالا قرار است پناه کپرنشین‌های جنگلوکی شوند. این رؤیای قشنگ را در جنگلوک، بچه‌های گروه خیریه جوانه‌های همت و تلاش توانا (جهت) و گروه جهادی دیده‌بان مردم ساخته‌اند.

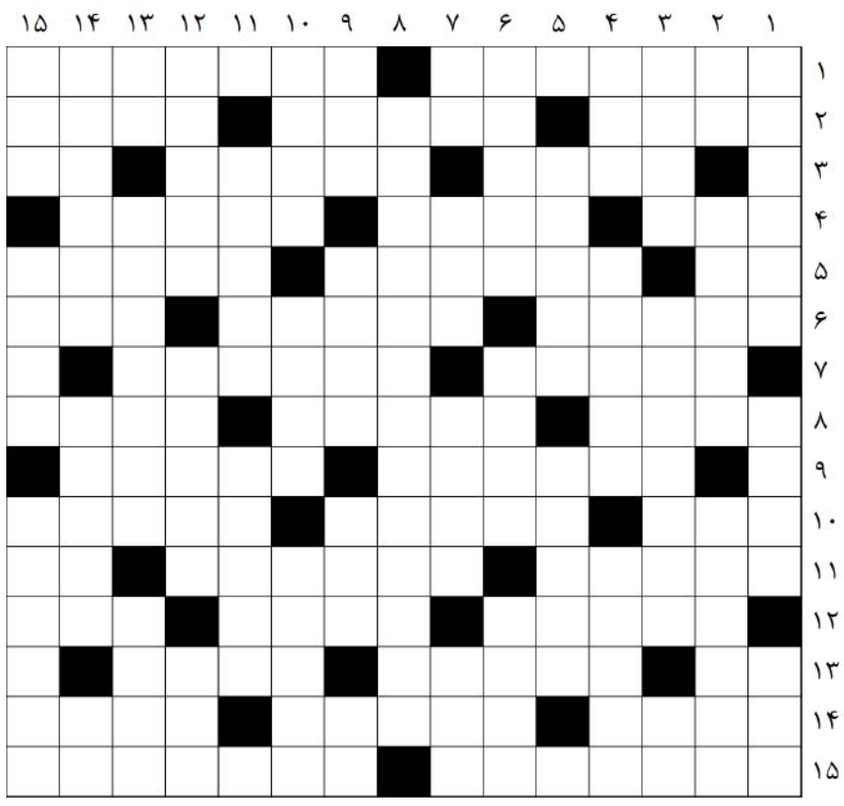
نوبت خودکفایی جنگلوکی‌ها

برای حامد زراعت کن، مدیرعامل خیریه جهت، یکی از خیریه‌های فعال در چابهار، پیش از این آتش سوزی هم جزو همان مناطق حاشیه‌نشین گروه هدف‌شان بوده: «متاسفانه با توجه به ظرفیت‌های فراوان چابهار، حاشیه‌نشینی مردم جنگلوک نشانه کم لطفی و بی تدبیری مسؤولان چابهار است و همین مساله باعث شد ما کلا در چابهار فعال شویم و عمده فعالیت‌مان را هم روی اشتغال‌زایی مردم قرار بدهیم. بعد از آتش‌سوزی اما به دلیل این‌که می خواستیم نظر مسؤولان را به این منطقه جلب کنیم، کار مستندنگاری حادثه را در جنگلوک شروع کردیم و چون کار واقعا اورژانسی بود، در جذب منابع خیرین فعال شدیم. چراکه تنها چیزی که برای آنها مانده‌بود لباس تنشان بود. ما منابع مالی مختلفی جذب کردیم، البته کار اصلی و میدانی را بچه‌های گروه جهادی دیده‌بان مردم انجام دادند. الان هم به همراهی همین گروه به دنبال گرفتن مجوزهای لازم زمین از شهرداری و بنیاد مسکن هستیم تا برایشان خانه بسازیم.» مدیرعامل خیریه جهت البته یک خبر خوب از یک تلاش دیگر هم دارد؛ تلاش برای اشتغال‌زایی در جنگلوک و درباره‌اش می‌گوید: «از آنجا که تخصص ما اشتغال‌زایی است، سعی می‌کنیم در این منطقه هم به پرورش آرتمیا (غذای زنده) و جلبک اسپیرولینا بپردازیم، چرا که این مواد به شدت در صنایع مختلف غذایی، بهداشتی و دارویی کاربرد دارند و می توانند از نظر اقتصادی شرایط بهتری برای مردم این منطقه به‌وجود بیاورند.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۶۷۲

جدول عادی



افقی: ۱) عنوانی برای پدربزرگ‌ها - روزگار ۲) دست به دامن شدن - هر یک از قسمت‌های کار - از فروع دین اسلام ۳) سوره هشتاد و هفتم - شرکتی که سرمایه آن متعلق به چند نفر است - برگزیده ۴) بدخلق - خودستایی - عروسک فرنگی ۵) غذای رقیق - همسایه کوبا - تاریکی ۶) دقیقه‌ها - نوعی چاشنی خوراکی - برنج نیم‌پخته ۷) لنگرگاه - پایمال‌شده ۸) به هیچ وجه - اجیر - بی‌کم و کاست ۹) نژاد ایرانی - زن گندمگون ۱۰) شخصیتی محبوب در مدرسه موش‌ها - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - صد و صد ۱۱) کم جمعیت‌ترین استان ایران - شمشیربازی R-۱۲) زاهد گوشه‌نشین - روح - دوستی ۱۳) ویتامین انعقاد خون - زیبا و جذاب - عرض ۱۴) خواهش‌های نفسانی - نمایان و آشکار - شریف‌تر ۱۵) از شخصیت‌های رمان بینوایان - دریاسالار.

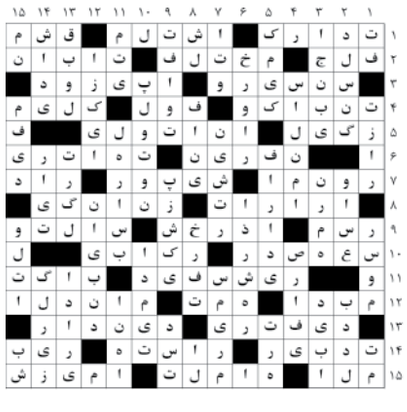
عمودی: ۱) یک دسته سرباز - تکیه کردن - برنج شوشتری ۲) پرنده‌ای شناگر - ظرف غذاخوری - لباس زنانه و مردانه ۳) پایه - از القاب امام‌علی(ع) - تعجب زنانه ۴) قورت دادن غذا - شغلی ندارد - تر و تازه ۵) دست‌کم - شبه‌جزیره‌ای نزدیک سیبری ۶) گریخته از روی ترس - یار همایون - لطافت ۷) مخفف اگر - قوم حضرت هود(ع) - برای این‌که - بوته کوچک ۸) از خوانندگان سرشناس موسیقی اصیل ایرانی با آلبوم‌های شرح فراق و نرگس مست ۹) چهل روز - سرمشق - پژواک - میان ۱۰) گوشه‌ای در دستگاه شور - نشانی - نوعی قلم رسم ۱۱) ارث - شهری زیارتی ۱۲) قطعی برای کتاب - خلأ - زندان مسعود سعد سلمان ۱۳) آواره - صبر و شکیبایی - حلقه توزیع بار پیچ و مهره ۱۴) لیگ فوتبال اسپانیا - شهری در گیلان - رام‌نشده! ۱۵) کتاب‌های عربی - از القاب امرای ترک - دسر خامه و میوه.

جدول ویژه

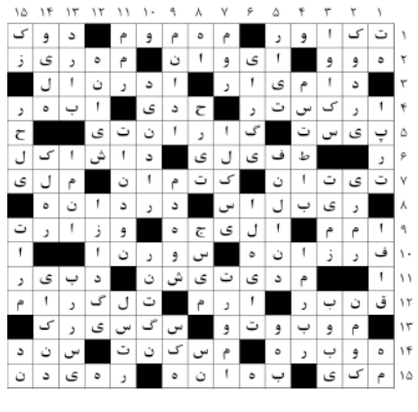
افقی: ۱) روزنامه‌ها و مجلات - سراپرده ۲) نوعی طرح لباس زنانه - از ادوات ورزش باستانی - بین ساعد و بازو ۳) قشنگ - گشاده‌رو - دریا ۴) سالخورده - نوعی موشک زیرآبی - موزه مینیاتور ایران ۵) زمین آذری - از آرایه‌های ادبی - ظرف نوشیدن مایعات ۶) سنگ نمک - چاهی که به طور آزمایشی کنده می‌شود - فام ۷) الهه ماه و جنگل در اساطیر رومی - از معجزات حضرت موسی(ع) ۸) قتلگاه - نوعی سنجاب - سرشماری ۹) سازی زهی - افیون ۱۰) کاشتن بوته برنج - پایتخت تبت - سبزی خوشبو ۱۱) هنر هفتم - عاشق و دلداده - راهی که به آخر نمی‌رسد! ۱۲) علم شعبده - قطعه موسیقی - الیاف پوست نخل ۱۳) رودی در ایتالیا - در کوه قاف آشیانه داشت - فرعی ۱۴) رهن‌دهنده - چراغ نفت‌سوز قدیمی - بدنام ۱۵) بخشی از اوستا - زبان قدیم هند.

عمودی: ۱) بین صلبیه و شبکیه چشم - همدم - همسایه شیلی ۲) از حروف الفبا - خیمه - شهری در خراسان‌شمالی ۳) از مشتقات نفت - همسایه روسیه و لهستان - ضربه سر در فوتبال ۴) سرپرست - شب‌های عربی - شهری در استان فارس ۵) درهم تنیدن - منسوب به ولایت ۶) درخت بومی مناطق استوایی - بیماری جذام - درست‌نویسی ۷) شور و هیجان همگانی - وسیله شالیکوبی - زیلوباف - جوانمرد ۸) رمانی از سیامک گلشیری، نویسنده معاصر ۹) رفتن - فایده - جمله قرآنی - بنابراین ۱۰) هدیه دادن - از اصول دین - استکان با کلاس ۱۱) حماقت - کاشف اشعه ایکس ۱۲) پاردم - ضرر و زیان بزرگ - نوعی پارچه پشمی ضخیم ۱۳) پرگویی - منطقه‌ای کوهستانی در کردستان - ممکن ۱۴) غیرایرانی - قارچ - حرف پیروزی ۱۵) ستاره - معشوق زیبا - صدمین سوره قرآن کریم.

حل جدول عادی شماره ۵۶۷۱



حل جدول ویژه شماره ۵۶۷۱



از نصب کولر تا نصب سایه‌بان

درباره بچه‌های گروه جهادی دیده‌بان مردم، بچه‌هایی که در این مدت شبانه روزی کنار مردم جنگلوک بوده‌اند، از اهالی جنگلوک زیاد می‌شنویم؛ جهادی‌هایی که از روز حادثه ایستاده‌اند پای کار و خیال کوتاه آمدند ندارند. علی‌اکبر یزدان‌پناه، سرپرست گروه جهادی دیده‌بان مردم در چابهار در این‌باره به ما می‌گوید: بعد از آتش‌سوزی و ورود به منطقه، دیدیم که زمینی که رویش کپر ساخته‌بودند گود است و سطحی پایین‌تر از بقیه جاها دارد. ما در وهله اول آمدیم این زمین را پر کردیم تا با بقیه جاها همسطح باشد و برای درست کردن اسکان موقت قابل استفاده بشود و اگر بارندگی بود، آب باران داخل خانه‌ها راه پیدا نکند.

در مرحله بعدی سکوهای بلوکی درست کردیم و هر چهار پنج چادر را روی این سکوها سوار کردیم و روی هر سکو هم یک آشپزخانه سیمانی ساختیم و به جای سقفش هم ایرانیت زدیم. بعد هم چون اتصال برق باعث آتش‌سوزی شده‌بود، مجدد برق‌کشی کردیم و داخل چادرها کولر نصب کردیم تا حداقل در این هوای گرم مردم داخلش دوام بیاورند.»

همین است که می‌توانیم برای شما بنویسیم که تا به حال کار در جنگلوک با کمک‌های مردمی جلو رفته و یزدان‌پناه به ما می‌گوید که قرار است بالای سر چادرها، سایبان هم نصب کنند و صفر تا صد این کارها مردمی بوده‌است.

علی علیجانی، مسؤول رسیدگی به استان‌های گروه جهادی دیده‌بان مردم یکی دیگر از اعضای همین گروه است که از برنامه‌ها و پیگیری‌هایشان برای ساخت خانه برای تمام جنگلوکی‌ها می‌گوید: «پیگیر این هستیم که دولت زمینی را به اینها بدهد و ما ساخت ۴۰۰ واحد خانه را در این زمین متقبل می‌شویم تا روزگار کپرنشینی‌شان تمام شود. در ساخت خانه هم همان سیستمی را اجرا می‌کنیم که در سرپل ذهاب و کوئیک اجرا کردیم. خانه‌هایی که در ۱۷ روز به مدل ICF و خیلی سریع ساخته می‌شوند. در همین زمینه هم با فرمانداری شهرداری، اعضای شورا و بنیاد مسکن جلسه داشتیم. حتی برای دفتر رهبر معظم انقلاب و دفتر ریاست جمهوری نامه نوشتیم تا با نظر مساعدشان زمینی به اهالی جنگلوک داده‌شود و اینها از حلبی آباد نشینی در بیایند.»

